

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته روابط بین الملل

موضوع:

بازشناسی ماهیت تجددگرایی رجال دو دوره قاجار و پهلوی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر بیژن نیری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عباس سلطانلو

پژوهشگر :

محمدنقی فراهانی نسب

سال تحصیلی:

زمستان ۹۱

این پایان نامه را با سپاس فراوان از اساتید گرامیم در دوران تحصیل از ابتدای ابتدایی تا فارغ التحصیلی دانشگاه ، به پدر و مادرم به عنوان نخستین معلمان زندگانیم تقدیم می کنم و قدردانی ویژه از همسر مهربانم که با صبر و شکیبایی مرا به ادامه تحصیل تشویق نمود.

محمدنقی فراهانی نسب

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف محمد نفی فراهانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۶۰۸۰۹۲۳۱

از پایان نامه خود تحت عنوان بازشناسی ماهیت در رشته روابط بین الملل که در ۹۱/۱۱/۲۴ تاریخ

دفاع نموده ام بدینوسیله و درجه تجددگرایی رجال دو دوره قاجار و پهلوی با کسب نمره

متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۴

محمد نقی فراهانی دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با
نمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه..... ۲
- ۱-۲- طرح مسئله تحقیق..... ۳
- ۱-۳- علت انتخاب موضوع..... ۵
- ۱-۴- هدف‌های تحقیق..... ۶
- ۱-۵- ضرورت و اهمیت تحقیق..... ۶
- ۱-۶- سوالات و فرضیه‌های، متغیرهای پژوهش..... ۸
- ۱-۷- تعریف مفاهیم..... ۹
- ۱-۸- پیشینه تحقیق..... ۱۲
- ۱-۹- روش تحقیق..... ۱۵
- ۱-۱۰- روش گردآوری اطلاعات..... ۱۵
- ۱-۱۱- تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۱۵
- ۱-۱۲- محدودیت‌ها و مزیت‌های تحقیق..... ۱۶

فصل دوم: ادبیات تحقیق

- ۲-۱- مقدمه..... ۱۸
- ۲-۲- سیر اندیشه تجدد..... ۱۸
- ۲-۳- مبانی نظری تحقیق..... ۲۵
- ۲-۳-۱- نظریه تجدد و مدرنیته ناقص..... ۲۹
- ۲-۳-۲- نظریه سوژه و آبه..... ۳۰
- ۲-۳-۳- نظریه نوسازی..... ۳۲
- ۲-۳-۴- نظریه وضعیت عدم بازگشت تاریخی..... ۳۶

فصل سوم : تجدد و تجددگرایی در دوران قاجاریه

- ۳-۱- بخش اول: وضعیت سیاسی، اجتماعی در عصر قاجار..... ۳۹

۴۲	۳-۲-بخش دوم: تجدد در عصر قاجار.....
۴۲	۳-۲-۱- تجدد در عصر قاجاریه.....
۴۳	۳-۲-۲- بارقه‌های تجددگرایی در سفرنامه ناصری.....
۴۶	۳-۲-۳- تجدد و زن در دوره قاجاریه.....
۴۶	۳-۲-۴- سواد و تحصیلات زنان دوره قاجار.....
۴۷	۳-۲-۵- سوادآموزی دختران پیش از مدارس جدید.....
۴۸	۳-۲-۶- راه اندازی مدارس جدید و آموزش دختران.....
۵۴	۳-۳-بخش سوم: رجال تجددگرای عصر قاجار.....
۵۴	۳-۳-۱- میرزا تقی‌خان فراهانی.....
۵۸	۳-۳-۲- میرزا حسین خان سپهسالار.....
۶۱	۳-۳-۳- فتحعلی آخوندزاده.....

فصل چهارم: تجدد و تجددگرایی در دوران پهلوی

۶۸	۴-۱-بخش اول: رضا شاه پهلوی.....
۷۰	۴-۱-۱- ارکان قدرت در سلطنت رضا شاه.....
۷۰	۴-۱-۱-۱- ارتش.....
۷۱	۴-۱-۱-۲- دیوان سالاری.....
۷۱	۴-۱-۱-۳- دربار.....
۷۲	۴-۱-۲- مبانی حاکمیت.....
۷۲	۴-۱-۲-۱- تمرکز قدرت.....
۷۳	۴-۱-۲-۲- ناسیونالیسم.....
۷۴	۴-۱-۳- تحولات اقتصادی و آموزشی.....
۷۵	۴-۱-۳-۱- توسعه اقتصادی.....
۷۵	۴-۱-۳-۲- توسعه آموزشی.....
۷۵	۴-۱-۳-۳- جنبش دانشجویی و کارگری.....
۷۶	۴-۲-بخش دوم: محمدرضا پهلوی.....
۷۹	۴-۳-بخش سوم: شخصیت‌های موثر در تجددگرایی دوران پهلوی.....
۸۰	۴-۳-۱- محمدعلی فروغی.....

- ۸۰.....۴-۳-۲- سید حسن تقی زاده.
- ۸۵.....۴-۳-۳- علی دشتی.
- ۸۹.....۴-۳-۴- احمد کسروی.

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۹۳.....۵-۱- نتیجه.
- ۹۸.....۵-۲- پیشنهاد.
- ۱۰۰.....۵-۳- منابع و ماخذ.

فصل اول :

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه :

از قرن شانزدهم در قالب مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و رویدادها، فرایندی در اروپا آغاز شد که نهایت با غلبه و گسترش فرهنگ خاصی در قرن نوزدهم به نتیجه رسید. این فرایند که جوامع اروپایی را از بنیادگرگون ساخت، نو شدن یا تجدّد نام گرفت.

رنسانس، رفورمیسم و صنعتی شدن تمامی ارکان دینی، اجتماعی و فرهنگی را در غرب دچار دگرگونی و بازشناسی نمود و در نهایت خواهان بسط، تغییر و تحول در ساحت‌های مختلف زندگی بشر شد.

"نوسازی و اصلاحات در غرب در عصر رنسانس و قرن پانزدهم میلادی و پس از آن آغاز شد. پیش از آن اروپا قرون وسطی را می‌گذراند که بعدها توسط خود نویسندگان غربی به عنوان عصر تاریکی^۱ خوانده شد و جوامع سنتی در مقابل جوامع مدرن اخیر قلمداد گردید." (موثقی، ۱۳۸۵: ۴)

تجدّد ابتدا با هدف تحول اقتصادی و همزمان با آغاز نظام سرمایه‌داری بروز نمود و هماهنگ با آن در قلمرو فلسفه، انسان‌مداری (فلسفه لیبرالی) را به عنوان نقطه مرکزی تجدّد تثبیت کرد.

همزمان فرهنگ تجدّد در هنر، به سرعت موجب تغییر در فرم و سبک نقاشی‌ها و معماری ساختمان‌ها شد. تجدّدگرایی در حوزه زیبایی‌شناختی نیز تأثیرات شگرفی بر جای نهاد و انسان را محور هنر و نقش‌آفرینی هنرمندان قرار داد. در حوزه دین و دین‌مداری با ظهور «پروتستانیسیم»، تجدّد با ورود به عرصه‌ی مذهب، موجب یک «رفورمیسم» عمیق در کلیسا گردید و رابطه انسان با خدا را یک امر خصوصی قلمداد نمود و در نهایت با مدح مظاهر جهان نو و حمله به روحانیت و کلیسا، پایه‌های دین را در غرب سست کرد.

"بنیان نظری تمدن جدید غربی بر مدرنیته استوار است ولی خود مدرنیته ادامه‌ی پروتستانیسیم می‌باشد. انسان اروپایی پیش از رنسانس دارای یک جهان بینی سنتی و قرون وسطایی در پیوند با مذهب بود که به شدت مخالف عقل و علم و آزادی و انتخاب و فرد و انسان به نحوی مستقل بود و این همه بنام خدا و دین و کلیسا و توسط روحانیان مسیحی دنبال می‌شد." (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۳)

^۱-Dark Ages

اما علی‌رغم دشواری تجدد و به دنبال آن مدرنیته، باید هوشیار بود تا این مسیر، آهسته و پیوسته و با مطالعه طی شود: "مدرنیته راه پر پیچ و خم دشواری است که از دامنه کوهی آغاز شده است و به سوی قله‌ای دوردست ادامه دارد. برخی که زودتر به راه افتاده بودند اکنون به قله رسیده‌اند، دسته‌ای این راه را تا مرحله‌های مختلف پیموده‌اند و گروهی تازه به این راه پای نهاده‌اند. آنان که در آغاز یا میانه راهند، به بهره‌جویی از تجربه پیش رفتگان و پرهیز از خطاها و کژراهه‌ها طبعاً می‌توانند تندتر از پیشینیان راه را بپیمایند، اما به هیچ روی نباید دچار وسوسه پرش‌های بلندپروازانه باشند که سرانجامی جز سقوط نخواهند داشت." (باربیه، ۱۳۸۳: ۱۱)

تجددگرایان افراطی معتقدند، تفاوتی ساختاری میان غرب و شرق وجود دارد و از آنجا که غرب مظاهر تجدد و مدرنیته را زودتر درک کرده و بدان رسیده، لذا شرق چاره‌ای جز تقلید نداشته و ناگزیر است تا مظاهر این توسعه را در خود ایجاد کند. در دو سده اخیر تجددگرایان ایرانی (که بیشتر از طبقه درباریان، فرنگ رفته‌ها و تحصیل کرده‌ها بودند) تمایل زیادی به پیاده سازی اندیشه و آداب و رسوم غربی در ایران داشتند. آنان سنت و سنت‌گرایی را از موانع اصلی پیشرفت و تجدد بر می‌شمردند. البته باید یادآور شد؛ افراد موثر در تجددگرایی مانند: عباس میرزا، قائم مقام فراهانی، میرزاتقی خان فراهانی و... چه بسا به فکر مجد و عظمت ایران بوده و تجددگرایان دیگری مانند: آخوندزاده، تقی زاده و... خواهان تغییر در ساختارهای سنتی و پیوستن به جریان تجدد در همه احوال بودند. محقق در این تحقیق سعی دارد با شناخت رجال موثر در تجدد و تجددگرایی دو دوره قاجار و پهلوی به ماهیت این پدیده در ایران نیز بپردازد.

۲-۱- طرح مسئله تحقیق:

تجدد واژه‌ای است که صاحب‌نظران در بحث‌های فلسفی و علوم اجتماعی، دیدگاه‌های گوناگون و ناهماهنگی درباره آن اظهار داشته‌اند. این واژه در عرض دو واژه دیگر؛ یعنی «مدرنیسم» یا نوگرایی و «مدرنیزاسیون» یا نوسازی قرار می‌گیرد و از آن‌ها تعبیرها و تفسیرهای سه‌گانه‌ای ارائه می‌شود که بیشتر با هم ناهماهنگ، ولی پیوسته‌اند.

مدرنیته یا تجدد، فرایندی است که طی آن دگرگونی‌های اساسی در اندیشه‌ها، چگونگی‌ها و رفتارهای یک جامعه صورت می‌گیرد و برای آن جامعه ویژگی‌هایی پدید می‌آید که بالا رفتن سطح زندگی مادی، گسترش فناوری‌های ماشینی، شیوه‌های نوین پژوهش در طبیعت، سرمایه‌داری و بازار آزاد، دموکراسی، شیوه‌های نو در تولید صنعتی، فرهنگ دنیوی و این جهانی، فردگرایی، عقل‌گرایی و انسان‌گرایی از آن جمله‌اند.

تجدد و واژه‌های مترادف آن نزدیک به دو قرن است که از گوشه و کنار جامعه ایرانی شنیده می‌شود. تجددگرایی از بدو ورود به ایران مشتاقان زیادی پیدا کرد، و اسباب و لوازم آن نیز خیلی زود به درون خانه‌های ایرانی رسوخ نمود. از حریم دیوارهای بلند به داخل نفوذ نمود و در کنار چیزهای دیگر قرار گرفت. اما مسئله به اینجا ختم نشد؛ عده‌ای تجدد را در حوزه اشیاء و ابزار محدود نمی‌دیدند. مهم‌ترین مسئله‌ای که تجدد در دو قرن اخیر ایجاد کرد، برهم زدن وحدت فرهنگی و فکری جامعه‌ی ایرانی بود.

با توجه به این دسته از واژه‌ها و مفاهیم و حوزه‌ی فکری و بار ارزشی که انعکاس و جلوه می‌دهند، در دل واژه تجدد در ایران در ابتدا نوعی «حرکت و پویایی» به چشم می‌خورد؛ که ممکن است با نوعی تحول و تغییر نیز قرین باشد، اما چون مسئله به همین شکل در سطح روابط اجتماعی و ملی متوقف نخواهد ماند، یک سلسله از مفاهیم و ارزش‌ها را نیز به حوزه‌ی خود فرا می‌خواهد؛ مثل سنت، مذهب، آداب و رسوم و عقاید، عرف و قانون و منزلت‌ها و شئون اجتماعی...

این فراخوانی دوم گاه در کنار تجدد قرار می‌گیرد و گاه در تعارض و ستیز با آن. براینده اصلی تاریخ تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی ایران، درگیری در همین صورت مسئله است. اما نکته دوم بعد از بحث مفهوم شناسی اولیه و ثانویه تجدد، بحث غرب و ابعاد مختلف آن است؛ با این وصف یک سلسله واژه‌های خاص که به نحوی مفهوم تجدد را غیر بومی و غیر داخلی جلوه‌گر می‌کند که قابل رویت است. واژه «پروغروس» که در نوشته‌های منوالفکران اولیه دوران بعد از جنگ‌های ایران و روس به چشم می‌خورد، مؤید نگاه سومی است که البته با بحث متجدد و روشنفکر و منورالفکر قابل جمع است و در یک افق قرار می‌گیرد. در این بین می‌توان واکنش حوزه‌های فکری داخلی و ملی در قبال این موضوعات، بحث استعمار غرب، نهضت‌های بیدارگرانه، مصلحین و اصلاحات

اجتماعی و غرب زدگی و مسترفرنگی بحث تجدّد را در گروه چهارم قرار داد. با این کالبد شناسی مفهوم شناسانه، به چها رده و گروه و افق در بحث تجدّد برخورد می‌کنیم که مانند چهار مدخل و دیباچه ما را به فکر و تامل فرا می‌خوانند:

۱- بحث حرکت و تحول و پویایی؛

۲- بحث سنت و قانون و آداب و عقاید؛

۳- بحث غرب، تجدّد، دین، تحصیل کردگان غرب رفته،

۴- سلسله مفاهیم استعمار، غرب زده، مسرفرنگ؛ و البته نهضتها و جنبش‌ها و قیام‌های ملی و مذهبی در این رابطه.

مسئله تجدّد و فهم ابعاد و موضوعات آن می‌تواند به صورت یک تحقیق مناسب و قابل قبول و با ارزش مطرح باشد. ابعاد این مسئله به حدی است که ما می‌توانیم از جامعه شناسی تجدّد و فلسفه تجدّد و یا اندیشه تجدّد صحبت کنیم.

۳-۱- علت انتخاب موضوع:

جامعه ما بدون هیچ اغراقی بواسطه نوع اعتقادات و تفکر، گرایش قدرتمندی نسبت به اصول، سنت‌ها و آداب و رسوم خود دارد و اگر تغییر و اصلاحاتی در یکی از ارکان و عادات ایرانیان بخواهد ایجاد شود، مستلزم مرور زمان و در بسیاری موارد با موانع و چالش‌هایی برخورد می‌کند. بسیاری بر این تصورند که گذشته ما از جمله خط، زبان، نژاد، ابنیه تاریخی و... تمام افتخارات و ملاک سربلندی ایرانیان است و هرگاه سخن از مجد و بزرگی ایران می‌شود سریعاً تفرالی به گذشته چندین هزارساله می‌زنند. همین تفکر، ناخودآگاه سپری می‌شود تا تعامل با دیگر تمدن‌ها و ورود عناصر فرهنگی آنان برای ما نوعی تهاجم فرهنگی تصور شود و به مرور کلماتی چون تجدّد و تجدّدگرایی در فرهنگ ما عناصری با بار منفی قلمداد گردد، بطوریکه حتی امروزه و در میان عامه مردم، ذهنیت تجدّد هموزن غربزدگی و از خود بیگانگی معنا می‌دهد.

به این بهانه این سوال در فکر محقق مطرح شد که آیا تجدّد واقعا بد است؟ آیا کسانی که به سمت دنیای جدید کشیده شدند، به طور کامل گذشته ایرانی خود را فراموش و رها کردند؟ آیا تجدّدگرایی ثمرات مثبتی هم برای جامعه ایرانی داشت یا که تماما منفی بوده؟ و بسیاری سوالات دیگر... این سوالات باعث شد تا محقق برآن شود، ریشه‌ها، ماهیت و سابقه تاریخی این واژه به اصطلاح چالش برانگیز را بررسی کرده و با چهره‌های فعال در مسیر تجدّد و تجدّدگرایی آشنا شود.

۴-۱- هدف‌های تحقیق:

- الف - واکاوی ماهیت تجدّدگرایی رجال قاجار و پهلوی.
- ب - دستیابی به امکان بازشناسی و شناخت گرایش‌ها و معرفی ماهیت جریان تجدّدگرا.

۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق:

تجدّد به معانی گوناگونی بکار رفته، به عنوان مثال تجدّد؛ یعنی نوگرایی و عبارت است از تغییر سنت‌ها، تغییر مصرف‌های گوناگون زندگی مادی از کهنه تا جدید و متجدّد شدن؛ یعنی شبیه اروپایی شدن. متجدّد؛ یعنی متجدّد در مصرف و بالاخره تجدّد معادل «روز آمدی» به کار برده می‌شود. چنانچه تجدّد را نامی برای خصایص و ویژگی‌های تمدن و فرهنگ جدید غرب تصور کنیم، پس می‌توان نتیجه گرفت که تمامی عرصه‌های حیات غربی در واقع جزء قلمرو و حوزه استحفاظی تجدّد و مدرنیته است. به عبارت دیگر فرآیند تجدّدگرایی تمام عرصه‌های زندگی و تمدن جدید را تا آن جا که توانسته فتح کرده است. در واقع عرصه و سیطره تجدّد شامل حوزه‌های گوناگون فکری و عملی از قبیل فلسفه، علم، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، دین، اخلاق، سیاست، هنر، ادبیات و... بسیاری دیگر می‌شود. از این رو پروژه تجدّد مدعی بود که در همه‌ی این حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی بهترین تفکر و بهترین شیوه زندگی را به ارمغان خواهد آورد.

در واقع نوید قطعی تمدن، از ابتدا این بود که با زدودن خرافات، موهومات، سنت‌ها، اسطوره‌ها و ... و با پیروی از عقل و خرد و با اتکا به علم، انسان را به آرمان شهر^۲ و به امنیت، رفاه، نیک بختی و سعادت خواهد رساند.

ایران عهد قاجار جامعه‌ای بود که به لحاظ اقتصادی بسیار فقیر، ضعیف و عقب مانده و به لحاظ ارتباطات بدون ارتباط و پراکنده و به لحاظ اجتماعی در تجارت، سیاست، روابط بین الملل، علم و فرهنگ از مابقی جهان مُنفک و مُنقطع به شمار می‌آمد.

نقطه صفر دوران مدرنیته در ایران با حکومت قاجارها هم زمان بود. شکست‌های تحقیرآمیز و غم انگیز ایران از روس‌ها و در پی آن امضای عهدنامه «گلستان» و «ترکمان‌چای» و همچنین توجه بسیار انگلیسی‌ها به ایران که دروازه ورود به مستعمره ارزشمندشان یعنی هندوستان به شمار می‌آمد، سبب شد اندک اندک درهای ایران به روی تجدد و دنیای مدرن گشوده شود.

با این وجود، تاریخ معاصر بعد از جنگ‌های ایران و روس تا به امروز به گونه‌ای تحت تاثیر جریان سنت‌گرا است. آگاهی نسبت به بحث تجدد و ترقی و نوسازی، ارکان اندیشه اصلاحات، تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، استبداد و مردم‌سالاری، سیاست و حکومت و رشد و توسعه در دو دوره قاجار و پهلوی و ده‌ها مساله دیگر، به نحوی با فراز و نشیب‌های این جریان توأم است.

در واقع آنچه باعث پدیدار شدن تجددگرایی در ایران شد، بروز عواملی بود که ورود تجدد را تسهیل می‌کرد. عواملی چون ارتباط با غرب، تاثیر حضور استعمار، انسجام اجتماعی، اشاعه فکر نو و درخواست استمرار تغییرات، مسافرت رجال و دانشجویان به فرنگ و نوشتن سفرنامه‌ها، ورود پدیده‌های جدید تکنیکی، فنی، فرهنگی همچون تلگراف، روزنامه، مدرسه و... به خصوص طرح آرای اندیشمندان و خرد ورزان اروپایی در مورد آزادی، برابری، سوسیالیسم، قانون مدنی و مشروطیت، سبب شد تا موجی از داخل و خارج، نظام قاجار را برای انجام تغییرات گسترده هشیار کند.

حرکت قطار تجدد از دوره قاجار با سرعت زیاد وارد دوره پهلوی شد. تجدد به ویژه در طول نیم قرن سلطنت پهلوی قرین تحولات بی‌شماری بود که عمدتاً از تحولات و الگوهای بیرونی ناشی می‌شد و تاثیرات عمیقی را در حوزه سیاست و اجتماع بر جای گذارد.

^۲ -utopia

"با روی کارآمدن رضا شاه پهلوی، پروژه تجدّد و نوگرایی با سرعت بیشتری آغاز گشت و به تبع آن، چالش میان فرآیند تجدّد و ارزش‌های دینی و سنتی جامعه نیز آغاز شد. تاثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور قشر تحصیل کردگان غرب در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری، سبب رویکرد پهلوی اول به تجدّد و مدرن‌سازی کشور شد. در دوره پهلوی اول جامعه ایرانی شاهد تاسیس ارتش نوین، درهم‌شکستن سیستم ملوک‌الطوایفی، متحدالشکل کردن لباس در برخی مشاغل، خرید سلاح‌های جدید، ایجاد راه‌های ارتباطی، تاسیس دانشکده افسری، تاسیس بانک سپه برای سامان‌بخشیدن به امور مالی و حقوقی نظامیان، تصویب قانون نظام اجباری، تشکیل سازمان ثبت احوال و بسیاری دیگر بود." (زریری، ۱۳۸۴: ۹)

سیر نفوذ و تاثیر گذار پدیده تجدّد و تجدّدگرایی در ایران همواره با سوالاتی همراه بوده است که لازم است که در این پایان نامه، به آن پاسخ داده شود. سوالاتی از قبیل تجدّدگرایی چیست؟ وضعیت ایران هنگام رویارویی با تجدّدگرایی چگونه بوده است؟ چه عواملی موجب شکل‌گیری تجدّدگرایی در ایران شد؟ نخبگان حکومتی و نیروهای سیاسی و اجتماعی و روشنفکران چه تاثیری در تسریع تجدّدگرایی در ایران داشتند؟ و بسیاری سوالات دیگر...

یکی از دلایلی که محقق را در نوشتن این پایان نامه مصمم کرد، جمع‌آوری مطالب در مورد تجدّدگرایی در دو دوره قاجار و پهلوی بود تا بتوانم دانسته‌های خود را در مورد مبداء، ماهیت و تاثیرگذاران تجدّدگرایی در ایران افزایش دهم.

یادآور می‌شوم سیر تاریخی تجدّد و تجدّدگرایی در ایران شامل فعالیت‌های مثبت و منفی بوده است و محقق اگر موضوع را در دو بازه زمانی قاجار و پهلوی بررسی می‌کند نشان از ستایش و تمجید سلاطین و شخصیت‌های این دو دوره نیست و صرفاً با هدف تحقیق انجام می‌شود.

۶-۱- سوالات، فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش:

سوال اصلی:

عوامل تاثیرگذار بر روند تجدّدگرایی رجال قاجار و پهلوی تابع چه اقداماتی بودند؟

سوالات فرعی:

- ۱ - رجال قاجار و پهلوی به چه علتی تجددگرایی را در ایران ترویج می‌کردند؟
 - ۲ - تاثیرات تجددگرایی رجال قاجار و پهلوی بر فرهنگ و اجتماع جامعه ایرانی چگونه بود؟
 - ۳ - آیا تجددگرایی رجال قاجار و پهلوی بیشتر مروج باستان‌گرایی بود یا ناسیونالیسم افراطی؟
- فرضیه تحقیق :**

به نظر می‌رسد که ماهیت تجددگرایی در اعصار قاجار و پهلوی متفاوت بودند؟

متغیر مستقل :

متغیر مستقل این پژوهش جنگ‌های ایران و روس در دوره قاجاریه است که به شکست‌های پی در پی ایران از ارتش روسیه منجر شد.

متغیر وابسته:

در حین و پس از جنگ‌های ایران و روس، آشنایی با فرهنگ و دستاوردهای روسیه و کشورهای غربی بخصوص در حوزه نظامی، متغیر وابسته این تحقیق هستند.

۷-۱- تعریف مفاهیم :

تجدد :

برای معنای واژه تجدد اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. در واقع تجدد، تبلور عینی و تجسم یافته دنیای جدید است و مدرنیسم یا تجددگرایی، تبلور عقیدتی و احساسی این دنیاست. واژه مدرنیته^۳ را نیز معمولاً با مفهوم تجدد برابر می‌دانند.

در اکثر تعاریف، تجدد را یک دوره تاریخی و در نتیجه یک پدیده زمان‌مند و دارای مکان می‌دانند. "آنتونی گیدنز جامعه شناس مشهور و معاصر در یک تعریف مقدماتی، تجدد را این گونه معرفی می‌کند: تجدد و مدرنیته به شیوه زندگی اجتماعی، تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی اشاره دارد که از قرن هفدهم به این طرف در اروپا ظاهر شد و دامنه تاثیر و نفوذ آن نیز کم و بیش در سایر نقاط جهان بسط یافت. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که مدرنیته یا تجدد؛ یعنی شیوه زندگی جدید و امروزی و به عبارتی مشخص‌تر مدرنیته یا تجدد عبارت است از: مجموعه اوصاف و ویژگی‌های

^۳ -modernity

تمدن جدید که در طی چند قرن اخیر در اروپا و امریکای شمالی ظهور کرده است. باید توجه کرد که مفاهیمی از قبیل جهان جدید، تمدن جدید، تمدن مدرن یا انسان مدرن و ... همگی با مفهوم تجدد در ارتباط تام هستند. " (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۵۳۷)

واژه‌ی مدرن^۴ و مشتقات آن را که تقریباً در تمامی زبان‌های اروپایی و غیراروپایی از جمله زبان پارسی کاربرد یافته و استعمال آن متداول و مرسوم گشته، دهخدا چنین معنی کرده است؛ "تازه، نو، تازه باب شده و مُد روز. مدرنیست، آن که طرفدار چیزهای تازه و شیوه‌های بدیع است. مدرنیسم، طرفداری از شیوه‌ها و چیزهای تازه و بدیع و مُد روز و جدید و دلبستگی به راه و رسم‌های تازه باب‌شده است." (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۵۷)

"مدرن و مشتقات آن یعنی نوین، جدید، امروزی، وابسته به دورانی از تاریخ که بعد از قرون وسطا تا کنون ادامه دارد، کسی که در دوران نوین زندگی می‌کند، دارای عقاید امروزی، متجدد، نوحوا، نوپسند." (آریان‌پور، ۱۳۸۰: ۳۳۳)

به هر حال "مدرنیسم یا نوگرایی واژه جامع و فراگیری است که به کلیه جنبش‌ها و گرایش‌های بین‌المللی در تمام هنرهای خلاق از اواخر قرن نوزدهم به این سو اطلاق می‌شود." (ب- احمدی، ۱۳۷۷: ۳۹)

تجددگرایی:

"تجددگرایی از مصدر فعل تجدد مأخوذ گردیده یعنی ضد قدیم، تجددگرایی آغاز یک کار و ابتدای آن را گویند. تجددگرایی یا مدرنیسم عبارت است از، فرهنگ و فلسفه تمدن مدرن یا به تعبیری می‌توان آن را جهان‌بینی یا شیوه نگرش و گرایش انسان متجدد و عصر جدید دانست. تجددگرایی به فرایندی در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن اطلاق می‌شود و واژه مدرنیسم^۵ را با تجددگرایی و نوگرایی برابر می‌دانند." (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۵۳۷)

"تجددگرایی عبارتست از گرایش به نوآوری و منطبق شدن با مقتضیات زمان." (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶)

^۴ -Modern

^۵ -modernism

"متجددسازی، مدرنیزاسیون یا مدرن‌سازی^۶ عبارت است از، سیاست و فعالیتی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که به طور آگاهانه و با هدف تشابه و نزدیک‌سازی جوامع غیرمدرن به اوصاف جوامع مدرن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر مدرن‌سازی عبارت از، فرآیندی است که بر اساس آن جوامع سنتی به سوی همه یا بعضی از شاخص‌های جوامع مدرن مانند پیشرفت علمی، رشد اقتصادی، توسعه‌های سیاسی و تحولات فرهنگی و فکری حرکت می‌کند." (بیات، ۱۳۸۰: ۱)

قاجار:

طائفه قاجاریه، یکی از طوائف ترک بود که در قرن هفتم هجری هنگام حمله چنگیز از مرکز آسیا به جانب مغرب انتقال یافت، و رفته رفته از سراسر خاک ایران گذشته در مرز شام مسکن گزید. در یورش هفت ساله «امیر تیمور گورگان» قبائل قاجار از شام به سمت مشرق بازآمده در حوالی «گنجه» و «ایروان» اقامت نمودند. یکی از هفت طائفه که دستیار «شاه اسماعیل صفوی» بودند و به نام «قزل باش» معروف شدند، طائفه قاجار بود. در عهد شاهان صفوی روسای ایل قاجار مکرر دارای حکومت و مامور به سفارت شدند. در زمان «شاه عباس» این طائفه نیروئی به دست آورده و به قبائل چندی تقسیم گردیدند. شاه عباس از افزایش عده این طائفه استفاده کرده، آنان را مامور حفظ مرزهای مهم کشور نمود. قسمت عمده آنان را در ولایت گرگان برای دفع ترکمن‌ها مقیم ساخت و نگاهداری قلعه «مبارک آباد» و ساحل گرگان را که از بناهای نظامی شاه طهماسب اول بود و امروز به «آق قلعه» معروف است به آنان سپرد. این شعبه از ایل قاجار اهمیت و شهرت بیشتری یافته، در دو جانب رود گرگان چراگاه‌هایی را بخود تخصیص دادند. آنان که در جانب بالای رودخانه قرار داشتند به «یوخاری باش» (بالای سر) و آنانکه در جانب پائین رود یورت (اسکان) گرفتند به «اشاقه باش» (پائین سر) معروف گشتند. میان این دو دسته رقابت و خصومت افتاد و به غارت یکدیگر مکرر مبادرت جستند و به سال ۱۱۴۰ه.ق به دنبال همین زد و خوردها اطراف «مبارک آباد» (آق قلعه) را ترک گفته به «استرآباد» آمدند. یکی از روسای این طائفه «فتحعلی خان» پسر «شاهقلی خان» بود که در زمان شاه طهماسب دوم به دعوت آن شاه همراه او به خراسان رفت و به امر نادرشاه مقتول و در «خواجه ربیع» مدفون گشت. فتحعلی خان از تیره اشاقه باش بود. نادر برای استیصال قوم او یوخاری باش‌ها را

^۶ -modernization

برکشید و «محمد حسین خان» رئیس آنان را حکومت گرگان داد. محمد حسنخان فرزند فتحعلی خان که هنگام قتل پدر بیش از دوازده سال نداشت در سراسر ایام نادر از گرگان فراری و در میان ایلات ترکمن متواری میزیست، گاهی هم به گرگان و استرآباد حمله میکرد. در یکی از حملات وی به شهر استرآباد پسر او «آغامحمدخان» بدست لشکریان نادر گرفتار شد و جزو اسیران به خراسان اعزام گردید. «عادل شاه» آغامحمدخان را مقطوع النسل کرد، ولی چیزی نگذشت که آغامحمدخان از زندان رهایی یافته به استرآباد رفت و به پدر خود که در این وقت بر این ولایت استیلاء یافته بود و دعوی سلطنت میکرد پیوست. «محمد حسنخان» در جنگ با «کریمخان» کشته شد و آغامحمدخان را که در این وقت هفده سال داشت به امر کریمخان به شیراز بردند. روز فوت کریمخان آغامحمدخان بیرون شهر شیراز به شکار مشغول بود. همین که عمه‌اش او را از مرگ وکیل آگاه ساخت او عمداً باز شکاری را که در دست داشت رها کرد و به بهانه جستجوی آن به مکانی که قبلاً سواران و اسبان ورزیده آماده کرده بودند برفت و به شتاب خود رابه تهران رسانید و خود را پادشاه خواند (۱۱۹۳.ه.ق) و بدین ترتیب سلطنت قاجاریه رسماً تاسیس گشت. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۵۷)

پهلوی :

"خانان پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷.ه.ش) پس از انقراض قاجار، بر ایران پادشاهی کردند. «رضاخان میرپنج» با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.ه.ش به قدرت رسید و وزیر جنگ شد و بعدها به مقام ریاست الوزرایی رسید. رضا شاه پهلوی، شاه ایران (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰.ه.ش) و بنیانگذار سلسله پهلوی بود. «محمد رضا پهلوی» از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷.ه.ش شاه ایران بود. او با کودتای ۲۸ مرداد، قدرت مطلقه پادشاهی را تحکیم کرد و با رویداد انقلاب ایران برکنار شد، و آخرین پادشاه در ایران به شمار می‌آید." (سایت ویکی پدیا، ۱۳۹۱: ۱)

۸-۱- پیشینه تحقیق:

زاویه دید در این پژوهش، ماهیت تجدّدگرایی در دو دوره قاجار و پهلوی می‌باشد و چه بسیار تحقیقات خوب و مستدلی که در این حوزه صورت گرفته است. امیدوارم این تحقیق و پژوهش ناچیز که آبشخور آن همان پژوهش‌های صورت گرفته قبلی می‌باشد بتواند به گوشه‌ای از این روند تاریخی